

# نگارگری ایران

## سده دوازدهم و سیزدهم

ابوالعلا سوداور

ترجمه مهدی حسینی

### افشاریه و زندیه

در سال ۱۱۳۴ ه.ق. لشکر اندکی از افغانه به سرکردگی محمود افغان (۱۱۳۴-۱۱۳۷ ه.ق.) به اصفهان حمله بردند و دودمان رو به زوال صفویه را به زیر سلطه خود درآوردند. شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۷ ه.ق.) سقوط سلسله صفوی را پذیرفت و به دست خود تاج بر سر محمود گذاشت و او را پادشاه جدید ایران خواند. سلطه افغانه بر ایران راه را برای ظهور جنگاور دیگری باز نمود. او نادر نام داشت و از اعضای ایل افشاریه بود که در خراسان اقامت داشتند. او ابتدا به نیت سرکوب افغانه به نیروهای تهماسب دوم (پسر شاه سلطان حسین) پیوست. پس از آن نادر شاه تهماسب را از سلطنت خلع کرد و سپس پسر هشت ماهه شاه تهماسب، شاه عباس سوم را، به سلطنت برداشت و عاقبت در سال ۱۱۴۸ ه.ق. خود را رسماً شاه خواند. نادر سرداری پرجرات و جنگاور بود. او عثمانی ها را، که از ضعف دولت های مرکزی سود برده و بخش هایی از غرب ایران را مورد تجاوز قرار داده بودند، سرکوب نمود. در لشکرکشی های مکررش به هند در سال های ۱۱۵۱ تا ۱۱۵۴، او دهلی را فتح کرد سپس تا داغستان، خوارزم، گرجستان و قفقاز پیش رفت.

نادر شاه در سال ۱۱۶۰ ه.ق. توسط تعدادی از رؤسای ایل افشاریه به قتل رسید و به جای او پسر برادرش علی قلی به تخت سلطنت نشست. جانشینان بعدی نادر، ابراهیم برادر علی قلی، نوه شاه سلیمان اول، که با نام شاه سلیمان دوم، به مدت کوتاهی، سلطنت نمود و نهایتاً نوه خود نادر، با نام شاهرخ، بودند. زمانی که شاهرخ به سلطنت رسید، وسعت حکومت افشاریه فقط به ناحیه خراسان محدود شده بود و دیگر بلاد ایران پهنه زد و خورد رؤسای دیگر قبایل بود. زمانی که کریمخان زند در سال ۱۱۶۳ ه.ق. قدرت را در اختیار گرفت و خود را پادشاه خواند، کشور کاملاً به ویرانه ای تبدیل شده بود. ایران در این مقطع از تاریخ کشوری

آشوب زده بود و طوایف افغان به جامانده از سپاه نادر، به نقاط دورافتاده حمله برده و آن‌ها را غارت می‌کردند. در شب نوروز سال ۱۱۷۲ ه.ق. به فرمان کریمخان عده‌ای از افغانه را گردن زدند و از آن‌پس امنیت تا حدودی برقرار شد.

با توجه به ناآرامی‌های سیاسی دوره افشاریه و پس از آن (۱۱۶۰-۱۲۰۷ ه.ق.) حجم آثار نقاشی و نگارگری به جامانده از این دوران بسیار اندک و از نظر کیفیت بسیار حقیرتر از آثار به جامانده از دوره صفویه یا قاجاریه است. مواد به کار گرفته شده سطحی و لمعایی و ترکیب‌بندی‌ها فاقد انسجام لازمند. عناصر غربی که از اواخر دوره صفویه در آثار نقاشی مشاهده می‌شدند هم‌چنان پابرجا بودند: مانند زمینه‌ها با مناظر غربی، استفاده غیرلازم از هندسه مناظر (پرسپکتیو) و نیز حجم‌پردازی. ولی به‌طور کلی قواعد دویم‌نمایی تصویری هم‌چنان استوار بودند.

#### عادل‌شاه

احتمالاً اشرف (بهشهر)،

حدود ۱۱۶۱ ه.ق.

گواش روی کاغذ،

۱۵/۹×۱۰ سانتیمتر

در سال ۱۱۶۰ ه.ق. علی‌قلی، برادرزاده نادر (۱۱۶۰-۱۱۶۱ ه.ق.) با دیگر قبایل یاغی بر علیه عمویش همدست شد و به احتمال زیاد توطئه قتل نادر را نیز او طراحی نمود. علی‌قلی اغلب در مشهد و نواحی مازندران اقامت داشت تا این که در سال ۱۱۶۱ مغلوب برادرش ابراهیم شد.

این تصویر ناتمام به احتمال زیاد از روی اثر ناتمام دیگری، که در خزانه کتابخانه کاخ گلستان، تهران (به شماره ۱۶۳۹) محفوظ است، مثنی برداری شده است. علت ناتمام ماندن هر دو اثر احتمالاً دوران کوتاه سلطنت علی‌قلی بوده است. دست‌خط روی نسخه اصلی مشخص می‌کند که این نقاشی تصویری از

«علی‌شاه» است. عنوان سلطنتی «علی‌قلی»، عادل‌شاه بود و اغلب به‌عنوان «علی‌شاه» از او یاد شده است. «علی‌شاه»، در این تصویر کلاه افشاری، ابداعی نادر، شاید در تقابل با کلاه دوازده‌ترک شیعی، تاج حیدری، که توسط سلاطین صفوی انتخاب شده بود، به‌سر دارد. کلاه جدید در قسمت بالا به چهار بخش تقسیم می‌شد، تا به‌صورت نمادین تأکیدی بر اعتقاد نادر نسبت به چهار خلیفه اهل سنت باشد.

است. او توسط نادر به بسمت حاکم آذربایجان منصوب شد، ولی در جنگی که میان او و نیروهای لژی در سال ۱۱۵۰ ه.ق. رخ داد کشته شد. مَهر نخست احتمالاً متعلق به قبل از این تاریخ و مشتمل بر زمانی است که علی قلی به همراه عمویش به سفر هند رفته بوده است. مَهر دوم نادر را با عنوان ظل الله معرفی می‌کند تا موجب تحکیم سلطنت او به عنوان یک نیروی الهی در سرزمین‌های تحت سلطه‌اش باشد. این مهر به احتمال زیاد پس از مرگ پندر علی‌قلی، مقارن با بازگشت غرورآفرین نادر از هند، مورد مصرف داشته است.

این چهره به احتمال زیاد در اشرف (بهشهر)، محلی که علی‌قلی با نیروهای قجری او در نبرد بود، به انجام رسیده است. او در این محل، به لحاظ دستگیری و اخته کردن پسر چهارساله سرکرده ایل قاجار، محمد، که بعداً با نام آغا محمدخان سلسله قاجار را پایه‌گذاری نمود، از محبوبیت برخوردار بود.

تصاویری از یک دیوان اشعار  
احتمالاً مشهد،

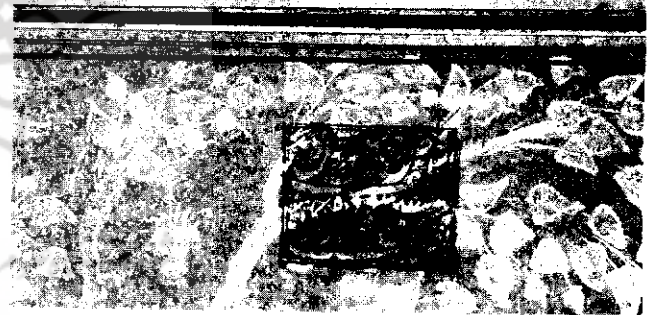
نیمه دوم قرن دوازدهم ه.ق.

گواش و طلااندازی روی کاغذ،

اندازه صفحه ۲۲/۱×۱۱ سانتیمتر، اندازه متن ۱۷/۵×۷/۵ سانتیمتر  
با توجه به کلاه چهارترکی که در برخی از این تصاویر مشاهده می‌شود، می‌توان چنین قضاوت نمود که این نگاره‌ها متعلق به دیوان اشعار پراکنده‌ای از دوره افشاریه است. نگاره‌های دوره افشاریه بسیار اندک هستند. زیرا نادر علاقه‌ای به این هنر نداشت. زمان سلطنت دو جانشین نخست‌اش بسیار کوتاه بود. دوره سلطنت نوه‌اش شاهرخ در خراسان طولانی ولی بلااثر بود، زیرا او را در جوانی کور کرده بودند و به همین علت نمی‌توانست حامی مناسبی برای نگارگری و هنر کتابت باشد. این دیوان به احتمال زیاد سفارش یکی از درباریان شاهرخ بوده است.



سواد مهرهای «علی‌قلی» در گلستان سعدی



سواد مهرهای «علی‌قلی» در گلستان سعدی

برخلاف عمویش نادر، به نظر می‌آید که علی‌قلی به نگارگری و کتابت علاقه‌مند بوده است. نسخه‌ای از گلستان سعدی که زمانی متعلق به او بوده است، ممهور به مهر اوست. هر دو مهر شامل ابیاتی در مدح نادر است و این خود نشانگر آن است که در این زمان نادر هنوز در قید حیات بوده و علی‌قلی مورد توجه وی بوده است. نخستین مهر مربوط به ابراهیم، برادر نادر و پدر علی‌قلی

نگاره‌ها شیوه خاصی از بیان تصویری را عیان می‌سازند که می‌تواند حد فاصلی میان نقاشی‌های دوره صفویه و نگاره‌های اواخر دوزه قاجار باشد. دو تصویر نخست به طرز ظریفی در قالب مکتب افشاری طراحی شده‌اند، در حالی که دو تصویر دیگر بیش‌تر به شیوه نقاشی‌های عامیانه قاجاریه شبیه است. از نظر اسلوب کار، متعلق به نیمه دوم سده دوازدهم ه.ق.، زمان سلطنت شاهرخ می‌باشند.



#### شاهزاده و ندیمه

این نگاره یکی از ظریف‌ترین تصاویر این مجموعه هم از لحاظ چهره‌پردازی و هم از نظر آرایش ترکیب است. در پشت صفحه این نگاره هیچ شعری به نگارش در نیامده و شاید صفحه آغازین دیوان باشد. استقرار ندیمه روی صندلی پایه‌بلند و جبهه‌ای غیرمتعارف دارد و بیننده احساس می‌کند که ندیمه توجه و احترام خاصی نسبت به شاهزاده افشاری دارد. احتمال می‌رود که نگاره تصویری از رضاقلی، پدر شاهرخ باشد (که کلاه افشاری به سر دارد)، که محترماً، در مجاور همسرش، دختر شاه سلطان حسین صفوی، ایستاده است.



### پادشاه روم

نوشته بالای نگاره نام تصویر را «پادشاه روم» رقم زده است. ایرانی‌ها آناتولی (ترکیه) را، حتی پس از جدایی‌اش از امپراتوری عثمانی، به نام «روم» می‌شناختند و سلاطین عثمانی اغلب پادشاه روم خوانده می‌شدند. این نگاره تصوّر یک هنرمند ایرانی از لباس و آداب دربار عثمانی است.

## قاجاریه

### تاریخ تجدید می‌شود

حکومت ساسانیان، در قرن سوم میلادی، تقلید کم‌بضاعتی از اسلاف هفت قرن پیش‌ترشان، یعنی امپراتوری هخامنشی است. نواده‌های تیمور نیز قدرت فرمانروایی اسلاف‌شان، ایلخانان، را نداشتند و دودمان قاجار فاقد قدرت و نفوذ سلسله صفوی بود.

همین موارد در مورد افراد نیز حاکم است. در جایی که کورش هخامنشی (۵۲۹-۵۵۸ ق.م.) بابل را فتح کرد، یهودیان دربند را آزاد ساخت و امپراتوری را بنیان نهاد که به شهروندانش اجازه آزادی عمل در مذهب و سنن می‌داد، اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۱ م) بنیان‌گذار سلسله ساسانیان، دین زرتشت را دین رسمی کشور اعلام نمود و با این اقدام موجب گشت دبیران و سازمان‌های وابسته به آن چنان قدرت عمل و نفوذی در اختیار داشته باشند که نهایتاً موجب فروپاشی امپراتوری شوند. تیمور ۷۳۷-۸۰۸ ه.ق. که خود را صورت مجسم چنگیزخان فاتح می‌پنداشت، نیمی از آسیا را به سلطه خود درآورد تا برایش مسلم شود مانند چنگیز هرگز قادر به فرمانروایی نیست و اقتدارش، هم‌زمان با ترک شهر فتح‌شده، پایان می‌یابد.

ولی شاید تراژی - کمیک این مکررات تاریخی به قدرت‌رسیدن آغامحمدخان قاجار (۱۲۰۹-۱۲۱۱ ه.ق.) باشد که مصمم بود دولتی را که توسط اسماعیل صفوی ۹۰۷-۹۳۰ ه.ق. پایه‌گذاری شده بود، به دست گیرد. ماجراجویی‌های سیاسی هر دوی آن‌ها از زمانی آغاز می‌شود که جوان بودند. اسماعیل از سلالة شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی بود و آغامحمدخان پسر ارشد رئیس ایل قاجار. سلاطین حاکم وقت نیز از هر دوی آن‌ها وحشت داشتند و آن‌دو را در حوالی فارس زیر نظر داشتند: اسماعیل از سوی قبایل آق‌قویونلو و آغامحمدخان توسط سلاطین زند.



### مردی با عصا

احتمالاً شیراز ۱۱۸۰ ه.ق.

گواش و جوهر روی کاغذ،

۱۶/۸۸۸/۲ سانتیمتر

تاریخ پاک‌شده تصویر به احتمال زیاد مُعَرَّف ۱۱۸۰ ه.ق. است. این تاریخ در عین حال با دستار مرد که به شیوه زند می‌باشد هم‌آهنگی دارد.

ولی تفاوت‌هایی نیز میان آن‌دو وجود داشت. در شرایطی که اسماعیل خوش‌مشرب و مورد احترام بسیار پیروانش بود، برعکس آغا محمدخان مقطوع‌النسل، اصولاً سیمای یک فرمانروای مقتدر را نداشت. اسماعیل صورت مجسم یک قدرت سیاسی و مذهبی بود، در حالی که آغا محمدخان و پیروانش متکی به نیروی ربه‌رشد علما بودند. خلع قدرت سیاسی دربار که از زمان سقوط سلسله صفوی آغاز گشته بود، این فرصت را برای فقها فراهم ساخت که آن‌ها عهده‌دار ولایت در زمان غیبت امام غایب باشند و به این ترتیب موقعیت شاه را به‌عنوان ظل‌الله (سایه خدا) در روی زمین به زیر سؤال برند و با اقتدار سلطنت به مبارزه برخیزند.

اسماعیل و آغا محمدخان هر دو خشم همسایگان نیرومندان را برمی‌انگیختند: اسماعیل با تحریک نیروهای نظامی قزلباش در مرزهای شرقی امپراتوری عثمانی، و آغا محمدخان با حمله به تفریس مرکز گرجستان، که موجب گشت نیروهای گرجی خواستار حمایت روس‌ها گشته و به این ترتیب راه را برای توسعه‌طلبی‌های بعدی هموار سازند. استمرار این قیاس را در جانشینان‌شان نیز می‌توان سراغ نمود: شاه تهماسب صفوی ۹۳۰-۹۸۴ ه.ق. و فتحعلی‌شاه قاجار ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق. تهماسب خود را درگیر جنگ‌های چریکی علیه نیروهای برتر و سازمان‌یافته سلطان سلیمان عثمانی ۹۲۶-۹۷۴ ه.ق. نمود و در شرایط مناسب عهدنامه صلحی به‌نفع خود، با وی منعقد ساخت. برعکس، فتحعلی‌شاه درگیری‌های مرزی را با نیروهای تزاری تا آن‌جا تداوم بخشید که به جنگی تمام‌عیار و اعلام جهاد مبدل شد و نتیجه‌ای جز دو شکست مفتضحانه در سال‌های ۱۲۲۸ و ۱۲۴۴ ه.ق. دربر نداشت.

در شرایطی که تهماسب خود شخصاً رهبری عملیات نظامی علیه نیروهای عثمانی را به‌عهده داشت،

فتحعلی‌شاه فاسد و خودبین، دلمشغول همسران بی‌شمارش در حرمسرا بود و امورات جنگ را به‌دست نایب‌السلطنه عباس‌میرزا سپرده بود. عباس‌میرزا که از یک‌سو در مبارزه با دسیسه‌های سیاسی و از سوی دیگر تحت فشار نیروهای مذهبی بود، موفق نشد تا عهدنامه آبرومندی در سال ۱۲۲۶ با روس‌ها منعقد سازد، نیز موفق نشد به هنگام حمله نیروهای ناپلئونی به روسیه در سال ۱۲۲۷ ه.ق. امتیازی از روس‌ها بگیرد. نتیجه جنگ سال ۱۲۲۸ ه.ق. از دست دادن بخشی از ارمنستان، قفقاز و سرزمین‌های شمالی بود. افتضاح بزرگ‌تر از میان‌رفتن اقتدار سیاسی ایران و دخالت دولت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران بود.

بعد از مرگ فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۵۰ ه.ق. فساد و قهقرا به‌سرعت دودمان قاجار را دربر گرفت و در آغاز سده بیستم میلادی تمام دودمان کاملاً تجزیه شده بود. دولت‌های روس و انگلیس بخش‌هایی از مملکت را زیر سلطه خود داشتند، شمال در دست روس‌ها و جنوب در اختیار انگلیسی‌ها. در سال ۱۳۳۸ ه.ق. انگلیسی‌ها با رشوه‌دادن به احمدشاه (۱۳۲۷-۱۳۴۳ ه.ق.) آخرین پادشاه دودمان قاجار، وثوق‌الدوله نخست‌وزیر وقت و دو تن از همراهانش، قرارداد ایران و انگلیس را منعقد ساختند. چنانچه این قرارداد به‌اجرا درمی‌آمد، نقطه پایانی بر استقلال ایران بود. قرارداد انگلیس و ایران قویاً با مخالفت نیروهای وطن‌پرست روبه‌رو و ملغی شد و کابینه‌های بعدی حتی جرأت طرح آن را برای تصویب در مجلس در خود نیافتند.

دو جلد لاک‌ی متعلق به یک دیوان

به امضای احمد،

تهران، ۱۲۳۷ ه.ق.

۲۰/۷×۳۲/۲ سانتیمتر

این دو جلد لاک‌ی اختصاص به جنگی دارد که احتمالاً

به فرمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۷ ه.ق. صورت پذیرفته و در سال ۱۹۸۲ م در پاریس اوراق شده است. این جُنگ شامل نگاره‌هایی از آثار ایرانی و هندی است که در اواخر قرن هفدهم میلادی نقاشی شده‌اند. این دو جلد شامل صحنه‌هایی خیالی از اجتماع شعرای بزرگ ادبیات ایران است. جلد سمت راست، شعرا از چپ به راست عبارتند از: کمال اسماعیل،

انوری، فردوسی، نظامی و خاقانی. جلد سمت چپ، از چپ به راست، شعرا عبارتند از: جامی، سنائی، رومی، سعدی و حافظ. عبارت روی نگاره‌ها، تاریخ، نگارگر و سفارش‌دهنده را مشخص می‌کنند: «به تاریخ بیستم شوال ۱۲۳۷» و «به فرمان شاه گیتی [فتحعلی شاه]، غلامزاده احمد امضا نموده است».





## نقاشی قاجار

در قرن یازدهم ه.ق. به لحاظ توسعه روابط با غرب، سنت نقاشی رنگ و روغن روی بوم جای خود را در میان هنرمندان ایرانی باز نمود. در دوران زند و قاجار، نقاشی رنگ و روغن جاذبهٔ بیش‌تری نسبت به دیگر شیوه‌ها داشت. نگارگران مهم درباری مانند مهرعلی دیگر نگارگران کتب خطی نبودند که با گواش کار

می‌کردند، بلکه نقاشان رنگ و روغن به حساب می‌آمدند.

هرچند ابزار به کارگرفته شده در این آثار از نقاشی اروپایی اخذ شده بود، ولی شیوهٔ اجرای آن کاملاً ایرانی بود. این هنرمندان اسلوب نگارگری اواخر دورهٔ صفوی را، منتهی با ابعاد بزرگ‌تر و حفظ دو بُعدنمایی، پاس داشتند و در چهره‌پردازی جلوه‌هایی از طبیعت‌گرایی را با آن همراه ساختند. حذف سه بُعدنمایی نه به لحاظ عدم توانایی این هنرمندان در اجرای آثار طبیعت‌گرا، بلکه به واسطهٔ سلیقه خاص نقاشان ایرانی برای اجرای چهره‌های آرمانی است که پاسخگوی نیازهای ذهنی آنان است.

### فتحعلی شاه

به قلم مهرعلی،

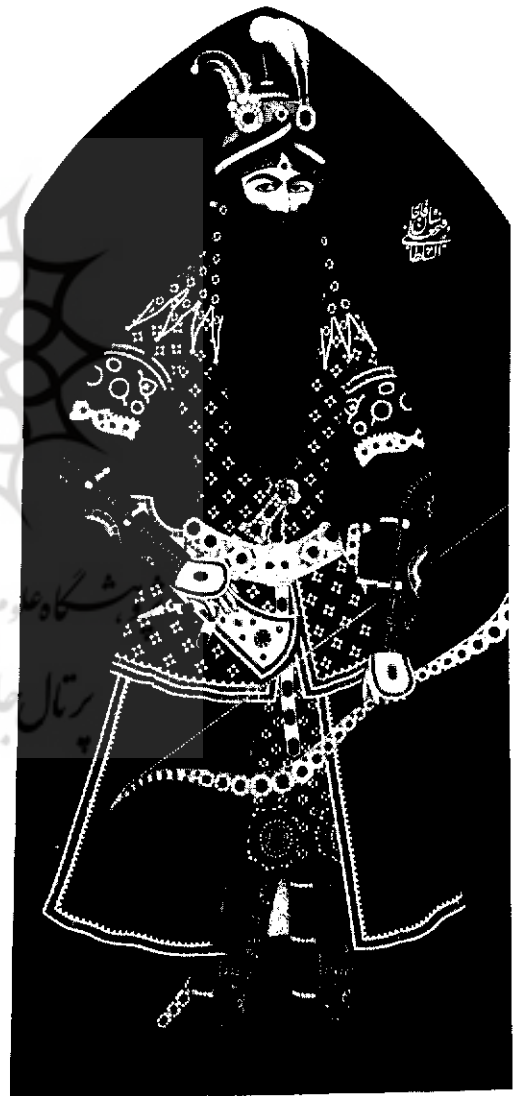
تهران، ۱۳۲۰،

رنگ و روغن روی بوم،

۲۲۴×۱۰۳ سانتیمتر

فتحعلی شاه تلاش داشت با به‌جا گذاشتن چهره‌های شکوهمند از خود شکست مفتضحانهٔ خود را از روس‌ها در سال ۱۲۲۸ ه.ق. (۱۸۱۳ م) جبران نماید. جاذبه‌های پرطمطراق صوری جایگزین کمبودهای نظامی گشته بود. در این جا باید قدردان نادر بود که در سال ۱۱۵۱ ه.ق. این جواهرات را با خود از دهلی به ایران آورد تا بتواند پاسخگوی نیازهای شاه باشد. در این پرده که فتحعلی شاه غرق در جواهر و سلاح نگین‌نشان است، بعید به نظر می‌آید که بتواند از صحنهٔ کارگزار سربلند بیرون آید.

وظیفهٔ به‌تصویر کشیدن فتحعلی شاه به‌عنوان شهریار می‌تواند به‌عهدهٔ مهرعلی واگذاشته شده بود. او چهره‌های بسیاری از شاه نقاشی نمود که مشهورترین آن پرده‌ای متعلق به سال ۱۲۲۸ ه.ق. است که در موزه نگارستان تهران محفوظ است. متناسب با معیارهای



با وجودی که محمدعلی فرزند ارشد بود، ولی عباس میرزا نایب السلطنه شد. مادر محمدعلی اهل گرجستان بود و سنت نایب السلطنه شدن در دربار قاجار حکم می‌کرد که نیابت سلطنت باید از هر دو سمت قجری باشد. در سال ۱۲۳۷، محمدعلی بر اثر وبا، در سن سی و سه سالگی درگذشت. جیمز بیلی فریزر مستشرق انگلیسی قرن نوزدهم درباره او نوشت: "یک روز پس از ورود ما، مرگ

ایرانی، مهرعلی نه یک چهره طبیعت‌گرا، بلکه پرده‌ای آرمانی از یک شاه زیبا، شریف و باعظمت آفریده است. شانه‌های پهن و کمر باریک نموداری از قدرت و وقار است. اتکا به شیوه‌های شبیه‌سازی جلوه‌های خاص از طبیعت‌گرایی را مطرح ساخته است، ولی مهم‌تر از آن قالب‌بندی قرن یازدهمی پرده، با توجه به دو بُعدنمایی و جلوه‌های شمایل‌نگاری آن، به‌ویژه در چکمه‌ها و ادوات رزمی است. واژه‌های داخل کتیبه موضوع پرده را مشخص می‌نماید: «السلطان فتح‌علی شاه قاجار». امضای نگارگر در پایین پرده به این صورت آمده است: «رقم کم‌ترین غلام مهرعلی فی سنه ۱۲۳۰».

#### چهره شاهزاده محمدعلی میرزا دولت‌شاه

عمل جعفر،

احتمالاً تهران، ۱۲۳۶ ه.ق.

رنگ و روغن روی بوم،

۲۰×۱۰۷ سانتیمتر

در کتیبه تصویر آمده است: «نواب شاهزاده محمدعلی میرزا قاجار». محمدعلی (۱۲۰۲-۱۲۳۷ ه.ق.) پسر بزرگ فتح‌علی بود. شاهزاده قجری دیگری به نام عضدالدوله، درباره او می‌نویسد:

به هنگام کودکی برخورد غیرمنتظره‌ای میان او و عالیجناب، خاقان فقید، آغامحمد شاه، که در مقابلش حتی ریش سفیدان شصت‌ساله، قادر به تکلم نبودند، به وقوع پیوست. هنگامی که شاه فقید از او پرسید: "اگر این شمشیر جواهر نشانم را به تو هدیه کنم با آن چه کار خواهی کرد؟" پاسخ جسورانه او به این صورت بود: "یک شمشیر از دو میان نمی‌تواند آویخته باشد، با آن سر از تنت جدا خواهم نمود و آن را از کمر خود خواهم آویخت!" زمانی که او والی کرمانشاه و سرحدات غربی بود، در نبردهای متعددی علیه نیروهای عثمانی شرکت جست و از خود دلاوری‌های بسیاری نشان داد.



محمدعلی میرزا، پسر ارشد و شجاع شاه ایران به اطلاع دربار رسید. این شاهزاده مدت‌ها در مقام مهم حکومت کرمانشاه بود...

در میان خاطرات، تصمیم‌گیری‌ها و دلاوری‌های بسیاری که از او به یادگار مانده است، این مخاطره از همه نمایان‌تر است. اسدخان سرکرده یکی از قبایل مهم، به خاطر آزدگی که از ولینعمت خود داشت، به او پشت کرده و در قلعه‌ای نه‌چندان دور از کرمانشاه سکنی گزیده به راهزنی و غارت مشغول شده بود. شاهزاده، با وجود شگردهای متعددی که برای رام‌نمودن این یاغی اعمال نموده و بی‌نتیجه مانده بود، مصمم گشت تا غائله را شخصاً فیصله دهد. بالاخره نیروهایی را برای سرکوب وی فراهم ساخت و زمانی که به محل اختفای خان و هم‌دستانش نزدیک شد، شاهزاده به تنهایی، بدون اطلاع همراهانش، به محل استقرار نیروهای خان عزیمت نمود. به قرارگاه خان وارد شد، حضورش را اعلام و خود را معرفی نمود و پس از استقرار در محل خطاهای خان را برشمرد و به وی گوشزد کرد که از ایستادگی در برابر نیرویی که نهایتاً موجب سرکوبش خواهد شد، دست بردارد. در عین حال عنوان داشت که لیاقت‌های او از نظرش پوشیده نیست و حاضر است از تمام خطاهای این انسان شجاع و در عین حال بداقبال چشم‌پوشی نموده و از وی دعوت نماید تا به وظایف خود تن دردهد و به سرکار خود بازگردد. ولی او را از ادامه یاغی‌گری و خیانت برحذر داشت. خان که از حضور شاهزاده به شگفت آمده بود، ابراز ندامت نمود و شاهزاده نیز متقابلاً حکومت ولایتی را به وی ارزانی داشته و بدین ترتیب یک یاغی سرکش را به بنده‌ای خدمتگزار مبدل ساخت.

در راقمه پایین پرده چنین آمده است: «رقم چاکر دولت جعفر». تنها در یک مورد دیگر نام جعفر آمده

است و آن نقاشی دیواری است در عمارت کلاه‌فرنگی در شیراز که کریمخان زند را به همراه ملازمان دربار نشان می‌دهد. این نقاشی دیواری احتمالاً همزمان با زمامداری کریمخان (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق.ه.) به اجرا درنیامده است، ولی به‌طور قطع متعلق به دوره زندیه است (۱۱۶۳-۱۲۰۹)، دوره درخشان بیان ظریف تصویری از چهره‌های شاهزادگان زند (محفوظ در موزه نگارستان تهران)، که یادآور ظرافت چهره‌های مودیلیانی [نقاش سده بیستم ایتالیا]. از نظر پرداخت و اجزاست. چهره محمدعلی، اثر جعفر، یکی از شیواترین آثار سنت نگارگری دوره قاجار در قالب رنگ و روغن است.

#### دربار فتحعلی‌شاه

تهران حدود ۱۲۳۰ ه.ق.

گواش و رنگ طلایی روی کاغذ،

لته میانی ۶۰×۵۲ سانتیمتر، لته‌های جانبی ۱۳۵×۲۳ سانتیمتر

این نقاشی مثنی کوچکی از یک نقاشی دیواری تخریب‌شده است که زمانی کاخ نگارستان تهران را مزین کرده بود. تصویر بیانگر حضور شاهزادگان، وزراء، ملازمان دربار و نمایندگان کشورهای خارجی در دربار، به هنگام سلام نوروزی است. فرستادگان خارجی معمولاً در روز دوم نوروز برای ادای سلام شرفیاب می‌شدند. فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق.) بر روی تخت طاووس جلوس نموده و در کنارش (ردیف بالا) محمدعلی میرزا در سمت راست، مانند تصویر پیشین، با محاسن بلندن، و در سمت چپ عباس میرزای نایب‌السلطنه، قرار دارند. در میان شخصیت‌های خارجی فرستادگان انگلیس، سرجان مالکوم، هارتفورد جونز، و گور اوزلی در لته سمت چپ قرار دارند و در لته سمت راست ژنرال گاردن فرانسوی به‌همراه دو تن از همقطارانش ژوبرت و ژوانین تصویر شده‌اند.

افسران فرانسوی جهت آموزش سپاه فتحعلی‌شاه بر علیه روس‌ها، در سال ۱۲۲۲ ه.ق. از سوی ناپلئون به

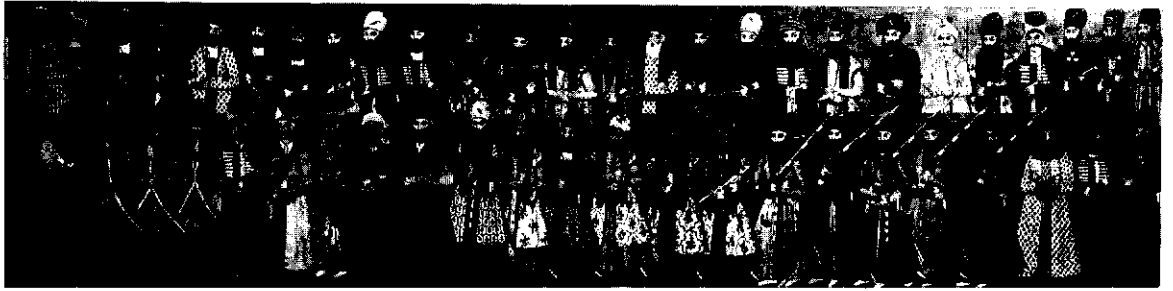
ایران اعزام شده بودند. حضور نظامیان فرانسوی موجب خشم نمایندگان انگلیسی گردید و زمانی که سر جان مالکوم، در سال ۱۲۲۳ ه.ق.، از سوی کمپانی هند شرقی، به بوشهر رسید خواستار اخراج آنان شد. فتحعلی‌شاه از انجام تقاضای او سر باز زد و مالکوم به هندوستان بازگشت. در همین ایام هارتفورد جونز، به عنوان فرستاده شاه، از لندن، به دربار فتحعلی‌شاه اعزام شده بود. او در فوریه ۱۸۰۹ م (۱۲۲۴ ه.ق.) به تهران رسید و موفق شد تا فرانسویان را اخراج کند. گردگوزن که در سال ۱۸۸۹ م (۱۳۰۶ ه.ق.) از ایران دیدن کرد و بعداً معاون وزارت امور خارجه انگلیس شد، این نقاشی را چنین توصیف کرده است:

فتحعلی‌شاه هرگز کاخی اشغال نکرد و یا نساخت که در آن خود، پسران بی‌شمارش، تاج، جواهرات و تخت شاهی و مهم‌تر از همه کمرباریک و ریش بلندش را از طریق نقاشی جاودان نساخته باشد. دو تا از این تصاویر در عمارت نگارستان قرار دارند. یکی از آن‌ها پرده نه‌چندان درخشانی از شاه و تنی چند از شاهزادگان است، ولی اثر مشهور دیگر نگاره‌ای است از شاه که در میان شاهزادگان و وزرا بر روی تخت طاووس قرار گرفته و در یک سلام رسمی تنی چند از نمایندگان قدرت‌های اروپایی را پذیرفته است.

تک‌پرده شاه و شاهزادگان در انتهای تالار قرار دارد و در طرفین، در روی دیوارهای سمت چپ و راست دو ردیف بلند از اندام، به اندازه طبیعی، در مجموع پنجاه نفر، تصویر شده‌اند که فرستادگان دو کشور رقیب، انگلیس و فرانسه، در سمت چپ و راست، نزدیک به تخت شاه تصویر شده‌اند. در این تصویر یک اشتباه تاریخی از نظر استقرار فرستادگان خارجی رخ داده است. در این جا سر جان مالکوم، سر هارتفورد جونز، سرگور اوزلی و نیز ژنرال گاردن فرانسوی، همه در تصویر و کاملاً قابل شناسایی از

لحاظ یونیفورم و شبیه‌سازی، در مقابل هم تصویر شده‌اند. لباس فرستادگان خارجی شامل کلاه سه‌گوش، پالتو با یراق قرمز و دامن گشاده، شلوار سفید و جوراب قرمز ساق‌بلند تا زانو است. این نگاره‌ها که از نظر تاریخی دارای ارزش بسیاری است و در شرایط اقلیمی گرم و خشک بسیار خوب نگهداری شده‌اند، کار محمدحسن‌خان، یکی از معتبرترین نقاشان دوره است. این آثار هنری، با وجود عدم رعایت هندسه مناظر و خشکی حرکات، شیواترین نمایش یک تشریفات رسمی را در یک دربار شرقی مصور ساخته‌اند.

نگاره از نظر تاریخی دارای ارزش بسیاری است، زیرا اشخاصی را به تصویر کشیده است که مورد مستند دیگری از آنان در دسترس نیست و در عین حال جلوه مستندی از لباس‌های رسمی دوره است. نسخه‌های متعددی از این اثر موجود است: کتابخانه هند شرقی، لندن (Ms. or 1239-42)، موزه نگارستان، تهران و موزه ارمیتاژ، سن‌پترزبورگ. شاید در پاسخ به شکست سال ۱۲۲۸ ه.ق. از روس‌ها، نسخه‌های متعددی از این مراسم تهیه و به خارج فرستاده شد تا تصویری از اهمیت و جلال فتحعلی‌شاه در میان ملازمان داخلی و فرستادگان خارجی دربار به دست داده باشند.



### خوشنویسی در دوره قاجاریه

اگرچه قدرت نظامی قاجاریه پس از مرگ مؤسس آن، آغامحمدخان، رو به نقصان گذاشت، ولی هنر کتابت شکوفا شد. شاهزادگان و اشراف فجری، مانند نوادگان تیمور، در زمینه ادبیات سنتی ایران مطالعه داشتند و از حامیان هنر بودند. هنر کتابت بسیار مورد توجه بود و در نتیجه حجم آثار خوشنویسی که در دوره قاجار تولید شد از نظر کیفیت و کمیت کم‌نظیر است. اجمالاً بخش کوچکی از آثار این دوره معرفی می‌گردد.

این مجموعه که دیباچه آن توسط شخصی به نام بیستون نگارش شده است، در شانزده بخش تنظیم یافته و شامل نمونه‌های گوناگونی از اشعار سعدی مانند گلستان و اشعار عربی اوست. نمونه درخشانی از کتابت دوره قاجار که برای شاهزادگان و اشراف در کارگاه‌های خصوصی، تولید شده و مُعرف خط نستعلیق بسیار زیبا به همراه تذهیب ظریف روی کاغذ ضخیم پرداخت شده است. هر قسمت با دو صفحه مُذهَّب بسیار پرکار آغاز می‌شود. این مجموعه ناتمام است و در سومین بخش از فصل شانزدهم تحت عنوان «مجالس»، متوقف می‌گردد. زمان اجرای کتاب نامشخص و کاتب آن ناشناخته است. جلد لاک‌ی و صحافی کتاب تمام ویژگی‌های مجلدات لاک‌ی سده سیزدهم که در ایران ساخته می‌شد و نمونه‌های بسیاری از آن که در قالب قلمدان‌ها، جعبه‌آینه‌ها و کتاب‌ها دیده می‌شود، با خود همراه دارد.

#### کلیات سعدی

احتمالاً تهران،

اواسط قرن سیزدهم ه.ق.

نستعلیق چهارستونی، ۲۴ سطر در هر صفحه،

گواش، مرکب و آب‌طلا روی کاغذ،

جلد: لاک‌ی. اندازه صفحات ۳۲/۱×۲۱ سانتیمتر، اندازه کتابت

جلد: ۲۲/۱×۱۲/۵ سانتیمتر



### تزوک تیموری

مثنوی برداری شده توسط محمدتقی،

احتمالاً اصفهان، ۱۲۸۵ ه.ق.

۱۰۵ برگ، مرکب روی کاغذ،

اندازه صفحات ۲۱×۱۴ سانتیمتر، متن ۱۴×۷/۵ سانتیمتر

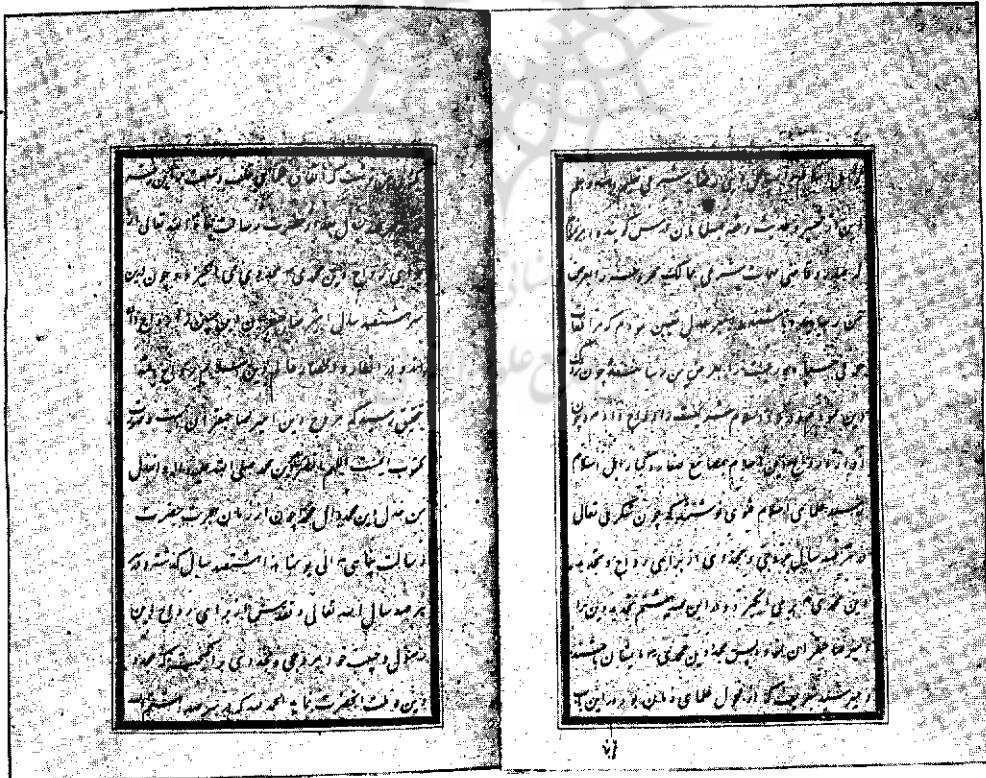
واژه ترکی «تزوک» در لغت به معنی مجموعه قوانین و مقررات است، ولی در پیوند با تیموریان اغلب «خاطرات» ترجمه می‌شود. تزوک تیموری عمدتاً مجموعه‌ای از افکار و کنکاش‌هاست که به صورت نصایح آمده است. لحن روایی آن در قالب گفتار تیمور است که متعکس‌کننده لحظاتی حساس از فتوحات و شیوه مملکت‌داری اوست. این نسخه تنها آن بخش از کتاب را شامل می‌شود که مربوط به لشکرکشی‌ها و سازماندهی ارتش و دولت است.

گفته شده است که تزوک تیموری ابتدا توسط

مؤلفی ناشناس به ترکی تألیف شده و سپس توسط ابوطالب تربتی به فارسی برگردانده شده و در سال ۱۰۴۶ ه.ق. به شاه‌جهان تقدیم شده است.

از میان موضوعات قابل توجه کتاب، این اندیشه همیشه غالب است، که به حول قوه الهی، پس از هجرت، هر صد سال فردی برای احیا و تبلیغ دین محمدی ظهور خواهد کرد. تیمور می‌گوید که فقها، پس از اطلاع از قصد وی برای ترویج دین اسلام، پیش‌بینی کردند که در آغاز قرن هشتم هجری، تیمور صاحبقران مبلّغ منتخب دین خواهد بود.

عالم ربّانی میرسید شریف، هفت مبلّغ دیگر را به این ترتیب معرفی نموده است: خلیفه اموی، عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ ه.ق.)، خلیفه عباسی مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق.)، المقتدر (۲۹۵-۳۲۰ ه.ق.)، پادشاه





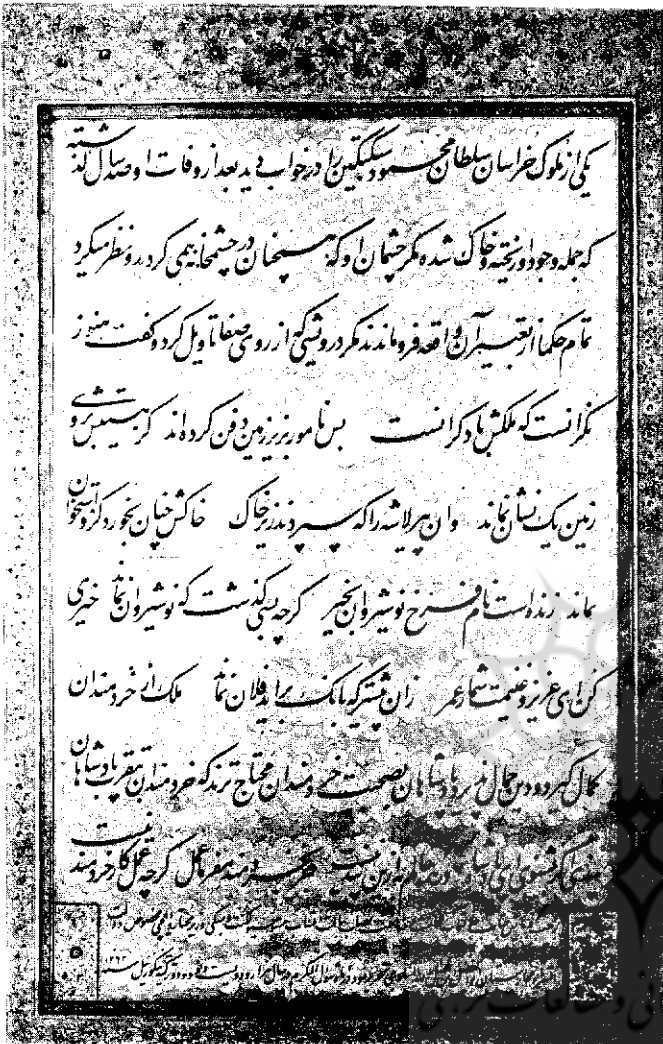
دیلمی، عضدالدوله (۳۳۸-۳۷۲ ه.ق.)، دوره سلجوقی، سلطان سنجر (خراسان ۴۹۰-۵۵۲ ه.ق.)، غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ ه.ق.)، اولجاتیو (۷۰۳-۷۱۷ ه.ق.) از این افراد، سه نفر نخست و پنجمین آن‌ها در آغاز قرن مذکور شروع به فرمانروایی نمودند و هرکدام از آن‌ها حاکم لایق دودمان خود بودند. در ابتدای قرن ششم هجری، سلطان محمد خوارزمشاه (۵۹۶-۶۱۷ ه.ق.) که از دست نیروهای چنگیزخان در گریز بود، نمی‌توانست به‌عنوان مُبَلِّغ و مروج دین اسلام به‌حساب آید، همین‌طور چنگیزخان. و برای این‌که نظریه میرسید شریف صحیح از کار درآید، غازان‌خان به‌عنوان ششمین و برادرش اولجاتیو هفتمین مُبَلِّغ محسوب شده‌اند.

خاتمه‌الکتاب عنوان می‌دارد که کتاب به‌دستور امیر بزرگ سهام‌الملک و به‌نام «ابراهیم خلیل» صورت تحریر یافته است. انتساب نام پیامبر به‌همراه نام سهام‌الملک، به محمد ابراهیم‌خان سهام‌الملک، فرماندار اصفهان بازمی‌گردد، که بعداً از سوری ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.) عنوان سهام‌الدوله به وی اعطا شد. شاید از این نظر دستور تحریر این کتاب صادر شده است که حاوی دستورالعمل‌های سازماندهی لشکری است.

کاتب نسخه حاضر خود را محمدتقی معرفی نموده است. احتمال دارد او همان حاج میرزا محمدتقی باشد که در زمان ناصرالدین‌شاه به سمت سرپرست قشون منصوب شد و همین امر سبب نزدیک شدن او به سهام‌الملک را معین می‌سازد. خط زیبای نستعلیق او با مرکب مشکلی و قرمز در قالبی محکم و روان تحریر شده است.

#### داستانی از گلستان سعدی

کاتب ابوالفضل بن فضل‌الله الساجی،  
تهران، ۱۳۹۲ ه.ق.  
گواش، مرکب و آب‌طلا روی کاغذ،  
۵/۳۲×۵ سانتیمتر



امضای کاتب مشخص می‌دارد که کتاب به‌دستور وزیرمختار و ایلیچی مخصوص دولت اطیش و مجارستان «مسیو لکنت دُپسکی» نسخه‌برداری شده است. کاتب قطعه ابوالفضل بن فضل‌الله الساجی یکی از نوادر خط نستعلیق است که قادر بود این خط را در اندازه بزرگ، بدون لطمه زدن به کیفیت آن، تحریر نماید.



### خوشنویسی

کاتب محمدجعفر بن محمدعلی الحسینی،

احتمالاً تهران، ۱۲۰۹ ه.ق. «تعلیق»

اندازه قطعه ۲۳×۱۴/۳ سانتیمتر.

شیوه «تعلیق»، که ابتدا برای فرمان‌های رسمی به کار گرفته می‌شد، در قرن سیزدهم ه.ق. کمتر برای مکاتبات رسمی به کار می‌رفت. با وجود این توسط خوشنویسان به عنوان تمرین شیوه‌های سنتی مشق می‌شد. این قطعه تمرینی، که از یک فرمان قدیمی مثنوی برداری شده است، شامل بخش‌ها و عبارات از هم مجزاست.